



اسکان غیررسمی، علل، پیامدها و راه حلها

مورد مطالعه: شیرآباد زاهدان

عیسی شیبانی امین

محمد غلامی

هیأت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

اسکان غیررسمی، پدیده‌ای است ناپهنجار، که نسبت به بافت متداول شهر مشاهده می‌شود. این پدیده، تجلی فقدان برآورده شدن نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم‌درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونت‌گاههای نابسامان در حاشیه‌شهر، به امید آن‌که به فرصت‌های شغلی با درآمد مستمر شهری دسترسی پیدا نمایند، می‌پردازند و شامل افراد و خانوارهایی می‌شود که در محدوده‌ی فیزیکی و اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی هنوز جذب نظام شهری نشده و از بسیاری جهات با بافت اصلی شهر تفاوت دارند. به عبارتی از نظر اشتغال، سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامطلوب به سر می‌برند. ناحیه شیرآباد زاهدان نمونه‌ی کاملی از این نوع سکونت‌گاههاست. تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که در به وجود آوردن پدیده‌ی اسکان غیررسمی در شیرآباد، عواملی از جمله مهاجرپذیری بالای شهر زاهدان و اسکان تعداد زیادی از مهاجران تهیدست در این ناحیه که عمدتاً ناشی از اقتصاد سیاسی فضاست مؤثر می‌باشد. به علاوه این پدیده به نوبه خود، پیامدهای کالبدی و اجتماعی - اقتصادی بسیار نامطلوبی را در ناحیه شیرآباد ایجاد کرده است. بدین ترتیب که ۸۹ درصد ساکنان شیرآباد را مهاجران تشکیل می‌دهند و تقریباً تمامی آن‌ها افراد و خانوارهای فقیر روستایی هستند. نرخ بالای زاد و ولد، بالا بودن بعد خانوار، جوانی جمعیت، بی‌سوادی و کم‌سوادی، بیکاری، درآمدناچیز، پرداختن به انواع مشاغل انگلی و کاذب از یک طرف و وضعیت اسفبار محیط فیزیکی مانند مسکن نامناسب، فقدان بهداشت، فقدان تأسیسات و تجهیزات زیربنایی و خدمات شهری، از سویی دیگر آلودگی چشم‌انداز از یک ناحیه‌ی شهری (شیرآباد) را به نمایش می‌گذارند.

واژه های کلیدی: اسکان غیررسمی، شیرآباد، پیامدها، توانمندسازی



۱- مقدمه

در کشور ما جریان سریع شهرنشینی، طی چند دهه‌ی اخیر اسکان غیررسمی را به دنبال داشته و این پدیده در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی فراوانی را در اغلب شهرها به ویژه شهرهای بزرگ ایران بوجود آورده است. زاهدان یکی از این جمله شهرهاست که رشد سریع شهرنشینی را در چند سال گذشته تجربه کرده، به طوری که جمعیت آن از ۱۷۴۹۵ نفر در سال ۱۳۳۵ (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۳۵) به ۶۰۵۷۳۸ نفر در سال ۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵) رسیده است. این جریان سریع از شهرنشینی در شکل‌گیری سکونت‌گاههای غیررسمی آن مؤثر بوده است. مناطق حاشیه‌نشین زاهدان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ۱- مناطقی که دارای واحدهای مسکونی با عمر و قدمت زیاد و تراکم بالا در بخش‌های قدیمی شهر وجود دارد که در واقع سکونتگاههای خودروی قدیمی شهر به حساب می‌آیند. مانند محله‌های بابائیان، کریم‌آباد و اطراف ترمینال قدیم (خضایی، ۱۳۸۱: ۵۴)، که هر سه محله مذکور در حال حاضر با محدودیت فیزیکی مواجه بوده و امکان گسترش فیزیکی در آن‌ها وجود ندارند. ۲- سکونت‌گاههای غیررسمی نظیر شیرآباد که بدون مجوز قانونی به طور نامنظم شکل می‌گیرند و از نظر زمانی نیز قدمت زیادی ندارند (پیران، ۱۳۸۱: ۱۵) که اصطلاح سکونتگاه غیررسمی یا غیرقانونی برای این گونه سکونتگاهها مناسب‌تر است.

۲- دیدگاههای نظری

تاکنون پدیده‌ی اسکان غیررسمی در قالب دیدگاههای مختلفی تحلیل شده است. اما مجموعه نظریاتی که می‌توان پژوهش حاضر را در قالب آن‌ها بررسی کرد، دو دسته‌اند. اول نظریه‌های بنیادگرا که بیشتر متوجه ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی اسکان غیررسمی در شهرها بوده و تأثیر ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری این سکونتگاهها را تبیین می‌کنند. دوم دیدگاههای هدفگرا (راهبردی)، شامل مجموعه نگرش‌هایی می‌شود که بیشتر به ارائه راه‌حل پرداخته‌اند. طرفداران این نوع نگرش پدیده‌ی مذکور را فقط در قالب ساختاری آن در شهر، مورد بررسی قرار داده و راه‌حل آن را نیز در شهر می‌بینند.

۱-۲- دیدگاههای بنیادگرا

۱-۱-۲- **نگرش سیستمی**: سیستم عبارت است از مجموع اجزای ترکیب‌دهنده اصلی و روابط بین آن‌ها (هاگت، ۱۳۷۶: ۹۸). افزایش حرکت‌ها و جریان‌های ورودی به سیستم ممکن است به تغییراتی در شکل و وسعت سیستم منجر شود که توسعه‌ی شهر و گسترش بی‌قواره و نامنظم آن نمونه‌ی روشنی از چنین جریانی می‌باشد (شکوئی، ۱۳۷۴: ۱۵۰). چرا که در نگرش سیستمی مفهوم بسیار مهمی به نام «بازخورد» وجود دارد که در واقع پویایی یا عدم‌پویایی سیستم‌ها را می‌توان بدان نسبت داد (حسین زاده‌دلیر، ۱۳۸۰: ۵۲). اگر ما ناحیه را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم، انواع سکونتگاههای شهری روستایی و عشایری به عنوان زیرسیستم‌های آن عمل می‌کنند و جریان تبادل انرژی، ماده و کالا در این دیدگاه، مهاجرت‌های روستا-شهری است که در چهارچوب نظریه سیستمی تفسیر می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷). در عملکرد سیستم ناحیه‌ای، چهار عنصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری، در بروز روند مهاجرت مؤثر هستند و حاشیه‌نشینان شهری هم عموماً مهاجر می‌باشند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسکان غیررسمی محصول روابط نابرابر همین عناصر در جریان عملکرد سیستم است. زیرا نوع سیستم فناوری در سطح جامعه توسط سیستم روابط اجتماعی حاکم تعیین می‌شود (زاهد زهدانی، ۱۳۶۹: ۲۶).

۱-۲-۲- **دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا**: در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه‌ای از مجموعه ویژگی‌های متناقضی هستند. این شهرها در مقایسه با دیگر مناطق یک کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده‌اند. در عین حال انواع و اقسام فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پروارند (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۷). و ضمن این‌که با انعطاف‌ناپذیریهای نهادی، سیاسی و اقتصادی چه در سطح داخلی یا بین‌المللی روبرو هستند، در حلقه‌ی تسلط کشورهای ثروتمند نیز گرفتار شده‌اند (تودارو، ۱۳۸۲: ۸۹ و ۹۳). از طرفی هم در



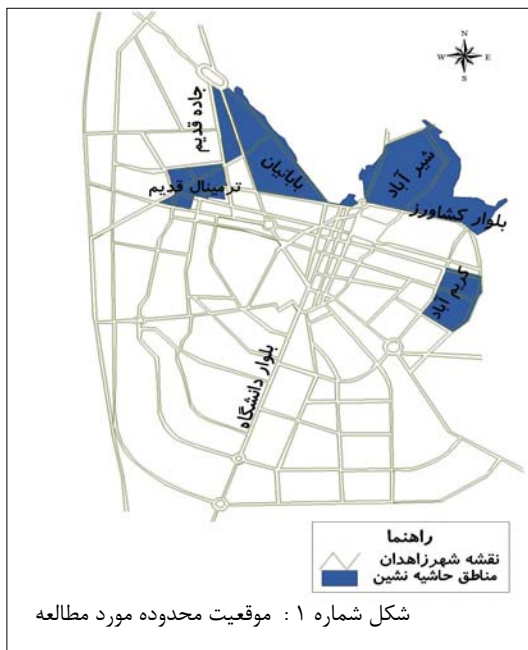
این گونه کشورها، غالباً قدرت سیاسی و اقتصادی با هم درآمیخته و در مناطق نسبتاً پیشرو متمرکز شده است و باعث تشدید نابرابری در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی می‌شوند (مهندسیین مشاور HV، ۱۳۷۱: ۴۶). به عبارتی قطب‌های قدرت سیاسی، قطب‌های سرمایه و قدرت اقتصادی نیز هستند که محل آن بزرگترین شهر ناحیه و کشور می‌باشد. از این رو انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌گردد. در شهر نیز از طریق پایین نگه‌داشتن سطح دستمزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها (یزدانی بروجنی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) حلقه‌ی محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ‌تر کرده، بر شدت فقرشان می‌افزاید و آن‌ها را به اسکان غیررسمی وادار می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۴۹). نتیجه اینک اسکان غیررسمی محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری است که به دلیل عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده (شریعت زاده، ۱۳۸۲: ۲۴۵)، آن‌ها از قافله توسعه عقب‌مانده یا رانده شده‌اند.

۲-۲- دیدگاه‌های هدفگرا

۲-۲-۱ توانمندسازی و بهسازی مشارکتی: توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است. که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی اقشار کم‌درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازهایشان، توسط خودشان بهبود یابد (اسکندری دورباطی، ۱۳۸۲: ۷۷). این رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا جمع‌گرایی دارد. از این رو درصدد است تا در ساخت جامعه هیچ گروه معین و همسو از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه‌های جامعه تسلط مطلق نداشته باشد (شکوئی، ۱۳۷۴: ۴۲۹). هنگامی که مشارکت مردم به عنوان یک‌ارزش اجتماعی در جامعه پذیرفته شد، هم‌چون وسیله‌ای بسیار مهم برای رفع بسیاری از نیازهای اساسی و عمومی محلی، منطقه‌ای و ملی به کار می‌آید (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۴). بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارائه گردید و راه‌حل مسئله فقر شهری و اسکان غیررسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی‌بیند. بلکه در کنار و مقدم بر این‌ها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است (قاسمی‌خوزانی، ۱۳۸۰: ۲۴).

۳- موقعیت و وسعت ناحیه

شیرآباد در شمال شرق شهر زاهدان واقع شده است و با شهر فصل مشترک دارد. از منظر طبیعی در قسمت انتهایی شیب دشت زاهدان واقع شده است و تمامی آب‌های سطحی، به اضافه فاضلاب شهر از این نقطه خارج شده و از طریق دره‌لار که در سمت شمال شرق این ناحیه واقع است، به چاله‌گودزره واقع در افغانستان می‌ریزد. در قسمت غرب این ناحیه ارتفاعات شمال‌شهر قرار دارند که بخشی از ساخت‌وسازهای مسکونی شیرآباد در این ارتفاعات قرار دارند. از شرق، به گسل معروف زاهدان و از شمال به تپه‌های بزرگ ماسه‌های روان محدود می‌شود (شرکت شهر و خانه، ۱۳۸۲). این ناحیه از طریق دو بلوار آزادی و کشاورز با مرکز و سایر نقاط شهر ارتباط دارد. از طرفی هم نزدیک‌ترین نقطه به مرز پاکستان و افغانستان می‌باشد. این ناحیه با وسعتی حدود ۳۵۴ هکتار، ۶۲۲۱۲ (مرکز بهداشت زاهدان) نفر جمعیت دارد.



۴- شکل‌گیری و روند گسترش شیرآباد

در سال ۱۳۵۵ شیرآباد دارای ۵۷ خانوار و ۲۶۱ نفر جمعیت بوده



است. در حالی که در سال ۱۳۶۵ پس از گذشت یک دهه با نرخ رشد حدود ۲۶ درصد به ۴۱۶ خانوار و ۲۶۱۹ نفر جمعیت افزایش می‌یابد. این روند با نرخ رشد اندکی بیشتر (۲۶/۳) درصد در دهه‌ی بعدی (۷۵-۱۳۶۵) با ۴۲۹۳ خانوار و ۲۶۹۵۲ نفر به رشد خود ادامه می‌دهد. اما در ادامه (۸۵-۱۳۷۵) نرخ رشد کاهش یافته و با ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ دارای ۶۲۲۱۲ نفر جمعیت می‌گردد. اما بعد خانوار آن هم‌چنان رو به افزایش است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: داده‌های جمعیتی شیرآباد از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت	۲۶۱	۲۶۱۹	۲۶۹۵۲	۶۲۲۱۲
تعداد خانوار	۵۷	۴۱۴	۴۲۹۳	۱۸۵۳۴
بعد خانوار	۴/۶	۶/۳	۶/۳	۷/۳
نرخ رشد	-	۲۶	۲۶/۳	۱۲/۷

منبع: مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان زاهدان، سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن و مرکز بهداشت زاهدان و مطالعات میدانی لازم به ذکر است بخش قابل توجهی از رشد فزاینده یاد شده ناشی از حضور افغانه می‌باشد. به طوری که از مجموع ساکنان شیرآباد در سال ۱۳۸۳، ۶۵/۴ درصد ایرانی و ۳۴/۶ درصد مابقی افغانه بوده‌اند.

جدول شماره ۲: جمعیت شیرآباد در سال ۱۳۸۵ به تفکیک ایرانی و افغانی

شاخص	جمع		ایرانی		افغانی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمعیت	۶۲۲۱۲	۱۰۰	۴۰۶۸۷	۶۵/۴	۲۱۵۲۵	۳۴/۶
خانوار	۸۵۳۴	۱۰۰	۵۶۵۸	۶۶/۳	۲۸۷۶	۳۳/۷

منبع: مرکز بهداشت زاهدان و مطالعات میدانی

۴-۱ - ترکیب سنی و جنسی جمعیت

از سویی دیگر ۵۴/۱۶ درصد جمعیت آن در گروه سنی ۱۵ - ۰ ساله، ۴۱/۹ درصد نیز در گروه سنی ۶۴ - ۱۵ ساله و ۳/۸ درصد ما بقی در گروه سنی ۶۵ ساله به بالا قرار دارند. بنابراین جمعیت فوق‌العاده جوان است. نسبت جنسی آن ۱۰۵ برآورد شده است. که با روند طبیعی چندان تفاوتی ندارد.

۴-۲ - تراکم جمعیت

پیش‌تر بیان شد که شیرآباد ۶۲۲۱۲ نفر جمعیت و ۳۵۴ هکتار مساحت دارد. با استفاده از رابطه نسبت تعداد جمعیت به مساحت ناحیه، تراکم شهری شیرآباد محاسبه گردید که حدود ۱۷۵/۵ نفر در هکتار می‌باشد. تراکم مسکونی هم، حدود ۳۰۵ نفر در هکتار می‌باشد. با قبول معیار ۱۶۱ نفر در هکتار برای تراکم مسکونی یک طبقه شهری (فرید، ۱۳۷۵: ۴۳۲)، مشاهده می‌شود که تراکم مسکونی در شیرآباد تقریباً دوبرابر میزان استاندارد شهری می‌باشد.

۴-۳ - مهاجرت

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از یک سو ۶۶ درصد جمعیت شیرآباد ایرانی و ۳۴ درصد افغانی هستند و از سوی دیگر، از بین ۶۶ درصد خانوارهای ایرانی ۶۰ درصد آن‌ها متعلق به استان سیستان و بلوچستان، ۳ درصد از استان خراسان، ۱ درصد از استان کرمان و ۲ درصد از استان گلستان می‌باشند. از میان ۶۰ درصد مهاجران استانی، ۲۷ درصد از شهرستان زابل، ۲۸ درصد از شهرستان زاهدان، ۴ درصد از شهرستان خاش و یک درصد از شهرستان ایرانشهر به اینجا آمده‌اند. بنابراین از صد درصد ساکنان شیرآباد، تنها ۱۱ درصدشان بومی شهر زاهدان و ۸۹ درصد هم مطلقاً مهاجر می‌باشند (جدول شماره ۳). در تقسیم بندی درون‌گروهی که هر یک از گروه‌های مذکور را بر اساس شاخص منشاء شهری و روستایی از هم جدا می‌سازد، پیداست که صد درصد مهاجران ساکن شیرآباد مبدأ روستایی دارند.



جدول شماره ۳: درصد مهاجران مقیم شیرآباد بر اساس مبدأ مهاجرت

محل تولد												
افغانستان									ایران			
٪۳۴									٪۶۶			
گلستان			کرمان			خراسان			سیستان و بلوچستان			استان
روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	
۲	۰	۲	۱	۰	۱	۳	۰	۳	۴۹	۱۱	۶۰	
ایران شهر			خاش			زاهدان			زابل			شهرستان
روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع	
۱	۰	۱	۴	۰	۴	۱۷	۱۱	۲۸	۲۷	۰	۲۷	

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

۱-۳-۴- علت مهاجرت

به طور کلی علل و انگیزه‌های مهاجرت را در دودسته یا نوع طبقه‌بندی می‌کنند. عوامل دافعه در مبداء و عوامل جاذبه در مقصد (کلارک، ۳۸۱: ۱۷۷). داده‌های مربوط به بررسی علل مهاجرت ساکنان شیرآباد نیز در همین قالب قابل بررسی می‌باشد. تمامی افغان‌های مقیم شیرآباد، علت ترک موطن اولیه خود را ناامنی معرفی کرده‌اند. از مجموع مهاجران داخلی ۵۱ درصد، فقدان شغل و درآمد در محل سکونت قبلی (مبدأ) را عامل ترک زادگاه خویش می‌دانند. ۴ درصد دوری از اقوام و خانواده و ۲ درصد مشکلات و مسائل اجتماعی را به عنوان تنگنا در موطن اولیه بیان می‌کنند، ۶ درصد دلایل متعدد و جزئی و بالاخره حدود ۴ درصد نیز اظهارنظری نداشته‌اند.

داده‌های مربوط به عوامل جاذبه نشان می‌دهد، که انگیزه ۸۴ درصد مهاجران از آمدن به زاهدان پیدا کردن کار و درآمد برای گذران زندگی بوده است. علی‌رغم متعدد بودن دلایل دافعه و جاذبه در بین مهاجران، تقریباً در یک علت اصلی درصد بسیار بالایی اشتراک دارند که همان عدم امکان شغل و درآمد در موطن اولیه و وجود درآمد در شهر زاهدان می‌باشد. به طوری که ۵۱ درصد علت دافعه مبدأ را بی‌کاری می‌دانند و اگر سهم افغانه هم به آن اضافه شود، این رقم به ۸۵ درصد خواهد رسید. هم‌چنین ۸۴ درصد مهاجران اعلام می‌دارند که جاذبه شهر زاهدان برای آنان صرفاً کار و درآمد بوده است. از طرفی هم حدود ۹۰ درصد کل مهاجران را مهاجران روستا- شهری تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان علت اصلی مهاجرت را وجود شکاف عمیق بین فرصت‌های کار و درآمد در روستا و شهر دانست. (جدول شماره ۴).

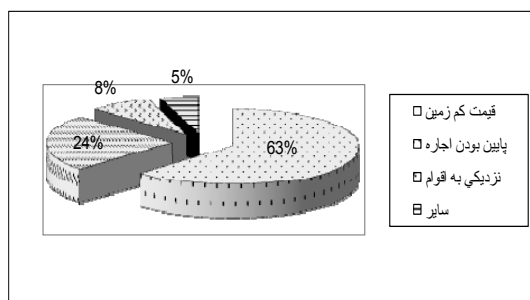
جدول شماره ۴: علل مهاجرت ساکنان شیرآباد بر حسب عوامل دافعه و جاذبه به درصد

علل مهاجرت									
عوامل جاذبه				عوامل دافعه					
ناامنی	فقدان شغل و درآمد	دوری از اقوام	مشکلات اجتماعی	سایر	اظهاری نشده	کار و درآمد	نزدیکی به اقوام	سایر	اظهاری نشده
۳۴	۵۱	۴	۲	۶	۴	۸۴	۴	۸	۴

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

۲-۳-۴- علت اسکان و مدت زمان اقامت در شیرآباد

نتایج نشان می‌دهد که ۶۳ درصد ساکنان شیرآباد به علت پایین بودن قیمت زمین، آن‌جا را برای زندگی در نظر گرفته‌اند. ۲۴ درصد به دلیل پایین بودن اجاره‌بهای منزل، خود را مجبور به زندگی در آن‌جا



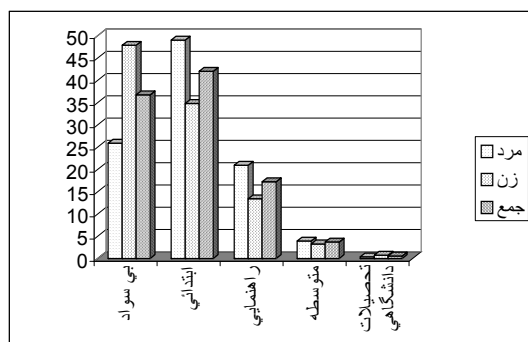
شکل شماره ۲: علل اسکان مهاجران در شیرآباد



می‌بینند. ۴۴ درصد خانوارهای ساکن این ناحیه کمتر از ده سال است که در شیرآباد ساکن شده‌اند. این وضعیت خود می‌تواند مبین شدت مهاجریپذیری و هم‌چنین سرعت بالای گسترش آن باشد (شکل شماره ۲).

۵- سطح سواد

از مجموع افراد بالای ۶ سال ۳۶/۷۳ درصد افراد بی‌سواد هستند. درصد بی‌سوادی زنان ۴۷/۸۲ می‌باشد. که تقریباً دو برابر مردان (۲۵/۸۸٪) است. در بین گروه‌های مختلف با سواد هم ۴۲ درصد فقط سواد خواندن و نوشتن دارند. سهم مردان در این مقطع نیز بیشتر از زنان می‌باشد. یعنی ۴۹٪ سهم مردان و ۳۴/۷۸٪ سهم زنان است. ۱۷/۲ درصد سواد مقطع راهنمایی را دارند که ۲۰/۹ درصد متعلق به گروه مردان و ۱۳/۴ درصد متعلق به زنان است. در مقطع متوسطه ۳/۵۸ درصد باسوادان قرار دارند و مشاهده می‌شود که باز هم برتری از آن گروه مردان است به طوری که ۳/۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند و سهم گروه زنان در این مقطع ۳/۲۶ درصد می‌باشد. بالاخره بالاترین مقطع مورد بررسی در این بحث تحصیلات دانشگاهی می‌باشد.



شکل شماره ۳: وضعیت سواد در شیرآباد

که ۵۳/۰ درصد، تحصیلات دانشگاهی دارند. این نسبت در بین زنان و مردان برعکس مقاطع قبلی است. ۷۲/۰ درصد زن در برابر ۳۵/۰ درصد مرد مشاهده می‌شود. بیان چند نکته در اینجا ضروری است.

۱- میزان باسوادی در شیرآباد معادل ۶۳/۲۷ درصد است که با نرخ کشوری (۷۹/۵ درصد) فاصله‌ی زیادی دارد. و از سطح سواد پایینی برخوردار است. به ویژه در مورد زنان که حدود ۵۰ درصد آنان بی‌سواند.

۲- فاصله‌ی درصدهای مربوط به مقاطع تحصیلی متوالی بسیار زیاد است که خود بیانگر بالا بودن میزان افت تحصیلی در ناحیه شیرآباد می‌باشد

۳- بالا بودن درصد بی‌سوادی زنان ریشه در مسائل فرهنگی دارد.

۴- رابطه معکوس شدیدی بین میزان باسوادی و سن افراد وجود دارد. دلیل این امر نیز این است که ثقل جمعیت در سنین مربوط به دوره ابتدایی قرار دارد. بالا رفتن نسبت باسوادی در کل نیز معلول همین عامل است. ۵- حدود ۱۱ درصد جمعیت ایرانی مقیم شیرآباد فاقد شناسنامه هستند و متأسفانه نمی‌توانند از خدمات آموزشی و شهری بهره‌مند گردند (مطالعات میدانی نگارنده).

۶- وضع فعالیت و اشتغال در شیرآباد

سهم جمعیت فعال شیرآباد، از کل جمعیت معادل ۲۳/۰۴ درصد می‌باشد. برخلاف بسیاری از محلات حاشیه‌نشین که سهم جمعیت فعال در آن‌ها زیاد است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۶۰ و اطهاری، ۱۳۷۹: ۱۹)، شیرآباد از جمعیت فعال نسبتاً کمی برخوردار است. بالا بودن نرخ زاد و ولد و در نتیجه جوانی جمعیت از یک طرف و هم‌چنین بالا بودن سهم زنان خانه‌دار که عملاً از گروه جمعیت فعال اقتصادی خارج می‌شوند، به ویژه به علت تعدد زوجه در این منطقه از طرف دیگر موجب می‌شوند تا سهم جمعیت فعال اقتصادی در این ناحیه پایین باشد. ۶۹ درصد را افراد شاغل تشکیل می‌دهند و ۳۱ درصد جمعیت فعال این ناحیه هم با پدیده بیکاری روبرو هستند.



جدول شماره ۵: وضع فعالیت و اشتغال در شیرآباد

شاخص	جمعیت فعال	جمعیت غیرفعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار
درصد	۲۳/۰۴	۷۶/۹۶	۶۹	۳۱

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

از بین گروههای عمده شاغلان در شیرآباد فعالیت‌های غیررسمی با اختصاص دادن ۶۳/۰۲ درصد شاغلان به خود بیشترین سهم را دارا است. بعد از مشاغل کاذب و غیررسمی، بخش‌های رسمی اقتصادی قرار می‌گیرند که از میان آن‌ها، بخش خدمات با ۳۲/۷۷ درصد شاغلان رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۶: درصد شاغلان شیرآباد در بخش‌های مختلف اقتصادی

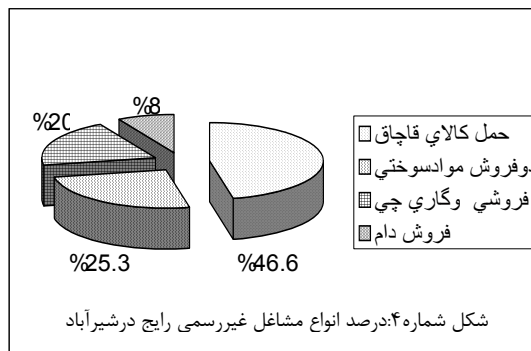
بخش اقتصادی	کشاورزی	صنعت	خدمات	غیررسمی
درصد شاغلان	۱/۶۸	۲/۵۲	۳۲/۷۷	۶۳/۰۲

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

برعکس مشاغل و فعالیت‌های رسمی موجود در شهر زاهدان که از تنوع شغلی کمی برخوردار هستند، مشاغل غیررسمی بسیار متنوعند. از این رو نام‌گذاری و بررسی تک‌تک آن‌ها مقدور نبود لذا همه‌ی آن‌ها به چند دسته‌ی عمده به شرح زیر تقسیم بندی شده‌اند. ۱- حمل کالای قاچاق (۴۶/۶۶) ۲- فروش مواد سوختی (۲۵/۳۳) ۳- قاچاق دام (۸) ۴- دست‌فروشی و گاری‌چی (۲۰) درصد مشاغل غیررسمی را به خود اختصاص داده‌اند (شکل شماره ۳).

گروههای مذکور دارای ویژگی‌های مشترکی هستند از جمله: ۱- افراد به صورت گروهی و بر اساس شرح وظایف کار می‌کنند. به این ترتیب که فرد سرمایه‌دار سرگروه محسوب می‌شود و دیگران تقریباً تابع او هستند. از جمله تهیه‌کنندگان، راننده‌ها، راه‌پاک‌کن و توزیع‌کنندگان. ۲- انسجام و وحدت گروه فوق‌العاده است. ۳- در دو سوی مرز پایگاههایی برای نگهداری، بارگیری و باراندازی دارند.

۴- در داخل ایران و در شهر زاهدان پایگاه اصلی آن‌ها شیرآباد می‌باشد که تمامی بارهای وارد شده به زاهدان ابتدا به شیرآباد می‌رود، سپس به صورت جزئی و یا عمده توزیع می‌شود (مطالعات میدانی نگارنده).



در حال حاضر اکثر افراد از این‌گونه مشاغل به عنوان یک شغل محترم و حتی راحت‌ترین منبع درآمد یاد می‌کنند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، ۷۷ درصد افرادی که به فعالیت‌های غیررسمی مشغولند، از این شغل راضی هستند. این وضعیت در مورد نوجوانان بسیار حادتر است. به طوری که ۸۴ درصد عاملان جمع‌آوری، بارگیری و باراندازی کالا و مواد قاچاق را چه در شهر و چه در مرز نوجوانان و جوانان دانش‌آموز و یا ترک تحصیل کرده تشکیل می‌دهند (مطالعات میدانی نگارنده).

۷- نتیجه‌گیری

افزایش فزاینده جمعیت شهرها سرانجام گریزناپذیری است که باید آن‌را به عنوان یک واقعیت پذیرفت. اما فرآیند شهرنشینی به ویژه از طریق مهاجرت، با شهری شدن فقر، همراه است. زاهدان نیز یکی از این جمله شهرهاست که با پدیده‌ی رشد سریع جمعیت و به تبع آن پیدایش انواع سکونت‌گاههای غیرقانونی روبروست. از جمله سکونتگاه غیررسمی شیرآباد، که مسأله‌دارترین عنصر در سیستم شهر زاهدان محسوب می‌شود. نرخ رشد بسیار بالای جمعیت شیرآباد و مهاجر بودن درصد بسیار بالایی از جمعیت آن، نشان‌دهنده مهاجرپذیر بودن این ناحیه می‌باشد. از کل جمعیت فعلی شیرآباد ۸۹ درصد آن‌ها مهاجر می‌باشند. از طرفی هم ۴۴ درصد خانوارها سابقه‌ی سکونت شهری آن‌ها کمتر از ده سال می‌باشد. بنابراین مهاجرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به شهر زاهدان از جمله علل بروز پدیده اسکان غیررسمی در شیرآباد می‌باشد. عامل دیگری که در مورد نابسامانی



کالبدی شیرآباد مؤثر شناخته شد. فقر ساکنان می باشد که از دو زاویه فقر فرهنگی و فقر اقتصادی از روی شاخص های سطح سواد، درآمد و پس انداز قابل ارزیابی می باشد. با توجه به نرخ بالای بی سواد (۳۶/۷۳ درصد) و کم سواد (۴۲ درصد فقط سواد خواندن و نوشتن دارند) و درآمد کم (۸۱ درصد درآمد ماهانه کمتر از یکدهزار تومان) و در نتیجه نبود پس انداز (۸۲ درصد خانوارها فاقد پس انداز) می توان نتیجه گرفت عامل فقر ساکنان، این چنین شرایطی را در زندگی آن ها رقم زده است. از کل جمعیت ساکن در شیرآباد، ۲۳/۰۴ درصد سهم جمعیت فعال می باشد. که حدود ۳۱ درصد آن ها بیکارند و ۶۳/۰۲ درصد از شاغلان شیرآباد به فعالیت های غیررسمی مشغولند. انجام این گونه فعالیت ها مکان معینی ندارد، بنابراین مناطق حاشیه نشین مناسب ترین مکان برای چنین فعالیت هایی محسوب می شود. تا آن ها بتوانند از مسکن، خیابان و فضاهای خالی، جهت فعالیت های اقتصادی استفاده کنند. بنابراین اسکان غیررسمی لازمه اشتغال غیررسمی می باشد. غیرقانونی و ناپایدار بودن این گونه درآمدها، خود نیز تولیدکننده فقر می باشد. از طرفی هم گسترش دامنه فعالیت های غیررسمی باعث شده تا این گونه فعالیت ها در اذهان ساکنان جنبه ارزشی پیدا کند. زیرا حدود ۷۷ درصد آن ها شغل خود را محترم می شمارند و حتی نسبت به آن تعصب دارند. نوجوانان و دانش آموزان حدود ۸۴ درصد عوامل جمع آوری، بارگیری و باراندازی کالاها و مواد قاچاق را تشکیل می دهند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اشتغال ساکنان شیرآباد در اقتصاد غیررسمی باعث بروز و تشدید ناهنجاری های اقتصادی - اجتماعی می شود.

با پذیرش همه ی عوامل و شرایط موجود، حل مسأله اسکان غیررسمی نهایتاً در گرو گره گشایی و حل عوامل بنیادی می باشد. زیرا تا وقتی که عوامل تولیدکننده فعال باشند، نمی توان از طریق راه حل های دیگر به نتیجه ی مطلوب رسید. اما از آن جایی که در کوتاه مدت چنین امری امکان پذیر نیست و حتی نوعی اندیشه ی آرمان گرایانه تلقی می شود، از این رو مناسب به نظر می رسد که به سمت استفاده از راه حل های میانه روتر و متعادل تر برویم. این گونه روش ها که در کشورهای دیگر هم آزمایش شده اند و نتیجه مثبت داده اند، تحت عنوان دیدگاه های راهبردی (هدف گرا) مورد بررسی قرار گرفته اند. با توجه به شناختی که از ویژگی ها و شرایط زندگی ساکنان شیرآباد به دست آمده است انتظار می رود، برای حل مسأله اسکان غیررسمی در آن، دیدگاه توانمندسازی و بهسازی مشارکتی در حال حاضر مناسب ترین کاربرد را داشته باشد.

پیشنهادات

- ۱- با در نظر گرفتن نگرش سیستمی در بعد کلان مسأله و دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا (نقش دولت) و دیدگاه توانمندسازی و بهسازی مشارکتی (نقش مردم) و تعریف و پذیرش حیطه تصمیم گیری و عملکردی هر یک از آن ها، می توان از بروز شکاف های عمیق در سیستم اجتماعی - اقتصادی جلوگیری کرد.
- ۲- تلاش و تدبیر در جهت رفع موانع قانونی و اصلاح و تصریح قوانین و مقررات و ارتباط کارآمد بین سازمان ها، جهت رسیدن به هماهنگی در تصمیم گیری و عمل.
- ۳- به رسمیت شناختن بافت های غیررسمی به عنوان یک واقعیت موجود. زیرا آن ها مجرم و محکوم نیستند، بلکه ضعف سیستم اجتماعی و اقتصادی جامعه، آن ها را به آنجا کشانده است. بنابراین راه حل مسأله را باید در دو نقطه سکونتگاهی یعنی شهر و روستا (سیستم ناحیه ای) جستجو کرد.
- ۴- مهم ترین و ضروری ترین راهکار مناسب در سطوح مختلف جامعه، آموزش و ارتقاء سطح آگاهی مردم در زمینه های مختلف زندگی می باشد. این کار از سه طریق امکان پذیر است: ۱- سازمان های غیردولتی (NGO) ۲- تلویزیون به ویژه شبکه محلی (استانی) ۳- اجرای کلاس های آموزشی در محل.
- ۵- ساماندهی اقتصاد منطقه به ویژه در چهارچوب فعالیت های تجاری؛ این کار مطالعات تخصصی نیاز دارد.



- ۶- به کارگیری سیاست توانمندسازی و بهسازی برای ساماندهی شیرآباد از طریق تشویق و هدایت ساکنان به مشارکت در کلیه مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های بهسازی محیط. لازم به یادآوری است که انگیزه مشارکت جویی در بین ساکنان شیرآباد بسیار بالاست.
- ۷- تهیه‌ی برنامه‌ای کارآمد جهت پرداخت وام‌های کم‌بهره و طولانی‌مدت به اقشار فقیر جامعه در زمینه‌های تأمین مسکن و کارآفرینی، براساس توان افراد، در صنف‌های مختلف.

منابع و مأخذ

- ۱- آقابخشی، حبیب(۱۳۸۲): نظام مشارکت مردم در مناطق حاشیه نشین. مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران.
- ۲- اطهری، کمال(۱۳۷۹): حاشیه نشینی در ایران. فصلنامه مدیریت شهری شماره ۲. سازمان شهرداریهای کشور.
- ۳- اسکندری دو رباطی، زهرا(۱۳۸۱): سیاستهای بانک جهانی در خصوص توانمند سازی. فصلنامه هفت شهر شماره ۸.
- ۴- پاپلی یزدی، محمد حسین(۱۳۸۲): نظریه های شهر و پیرامون. سمت. تهران.
- ۵- پیران، پرویز(۱۳۸۱): باز هم در باب اسکان غیر رسمی، مورد شیر آباد زاهدان. فصلنامه هفت شهر شماره ۹ و ۱۰.
- ۶- تودارو، مایکل(۱۳۸۲): توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. کوهسار. تهران.
- ۷- حاتمی نژاد، حسین(۱۳۸۲): اسکان غیر رسمی در مشهد، نمونه شهر غیر رسمی ساختمان. دانشگاه علوم بهزیستی
- ۸- حافظ نیا، محمد رضا(۱۳۸۰): راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۶۱.
- ۹- حسین زاده دلیر، کریم(۱۳۸۰): برنامه ریزی ناحیه ای. سمت. تهران.
- ۱۰- خضرابی، فرزین(۱۳۸۱): توانمند سازی در اسکان غیررسمی. فصلنامه هفت شهر شماره ۸. مسکن و شهرسازی.
- ۱۱- زاهد زاهدانی، سعید(۱۳۶۹): حاشیه نشینی. دانشگاه شیراز.
- ۱۲- ساعی، احمد(۱۳۷۸): مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم. سمت. تهران.
- ۱۳- شریعت زاده، مریم(۱۳۸۲): ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و ساماندهی حاشیه نشینی در ایران. مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران.
- ۱۴- شکوئی، حسین(۱۳۷۴): دیدگاههای نو در جغرافیای شهری جلد اول. سمت. تهران.
- ۱۵- فرید، یدالله(۱۳۷۵): جغرافیا و شهر شناسی. دانشگاه تبریز.
- ۱۶- قاسمی خوزانی، محمد(۱۳۸۰): اسکان غیررسمی و بهسازی محله های فقیر نشین. ماهنامه شهرداریها شماره ۴۵.
- ۱۷- کلارک، جان. ای(۱۳۸۱): اصول و مبانی جغرافیای جمعیت. ترجمه مسعود مهدوی. دانشگاه تهران.
- ۱۸- مرکز آمار ایران: نتایج تفصیلی سر شماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵.
- ۱۹- مرکز بهداشت شهرستان زاهدان.
- ۲۰- مهندسان مشاور DHV هلند(۱۳۷۱): رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی. ترجمه ابوطالب فنایی و دیگران. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۲۱- مهندسین مشاور شهر و خانه(۱۳۸۲): طرح جامع شهرستان زاهدان، مسکن و شهرسازی.
- ۲۲- هاگت، پیتر(۱۳۷۶): جغرافیا ترکیبی نو. ترجمه شاپور گودرزی نژاد. سمت. تهران.
- ۲۳- یزدانی بروجنی، فردین(۱۳۸۲): بررسی خصوصیات ساختاری حاشیه نشینی در تهران. دانشگاه علوم بهزیستی